

## بازیابی مفاهیم نمادین آینه در فرهنگ عامه ایران\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

کد مقاله: ۷۶۱۳۹

فاطمه میرزایی<sup>۱</sup>، آمنه مافی تبار<sup>۲</sup>

### چکیده

آینه، ابزاری است که به محض ابداع در جوامع بشری صاحب جایگاه ویژه شد. بازتابندگی نور و تصویر، مهم‌ترین خاصیتی است که آینه با آن شناخته می‌شود. در این میان، نمود چنین ویژگی‌هایی سبب‌ساز تعاطی مفاهیم گسترده با آینه و آیینگی شد و گره‌خوردگی این مباحث با فرهنگ ایرانی، معانی نمادین متعددی را برای آینه شکل داد. هدف این پژوهش، واکاوی معنای استعاره آینه در فرهنگ عامه ایران است. بدین‌قیاس پرسش آن است: «معنا و مفهوم آینه در فرهنگ عامه ایرانی چگونه به بروز و ظهور می‌رسد؟» نتیجه به شیوه توصیفی-تحلیلی و با جستجو در اسناد کتابخانه‌ای نشان داد؛ بازتاب اعتقادات و باورهای عامیانه در مورد آینه، در دیوان شاعران بزرگ ایرانی به کرات مشاهده می‌شود؛ این امر گواه بر توجه آنان به آینه و ویژگی‌های نمادین آن برای استفاده در مضامین شعری برای تأثیر بر مخاطب است. آینه در ایران در مراسم متنوع از شادی و عزا صاحب معنی است. آینه در صور مختلف به کار می‌آید و علاوه بر فرهنگ و ادبیات عامه، در هنر و معماری این سرزمین نیز نقش‌آفرین می‌شود و علاوه بر استفاده‌های کاربردی، مفاهیم بسیاری را در بر می‌گیرد و برای بیننده، حالت مقدس را در ارتباط با عالم والا و نور تداعی می‌کند.

واژگان کلیدی: تاریخ فرهنگی، فرهنگ عامه، ادبیات فارسی، مفهوم نمادین، آینه.

۱- کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران

۲- استادیار، عضو هیأت علمی دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران

\*- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول تحت عنوان «طراحی لباس عروس با نظر به نقش آینه در سوزندوزی بلوچ» به راهنمایی نظری نویسنده دوم در دانشگاه هنر است.

## ۱- مقدمه

آینه از جمله عناصری است که از گذشته‌های دور مورد توجه و نیاز مردم بوده و استفاده‌های کاربردی و نمادین از آن، تقریباً در بین تمام اقوام وجود داشته است. آینه به علت وجه تشابهی که با آب به لحاظ انعکاس و نمایش تصویر دارد، در فرهنگ مردم ایرانی از جایگاه والایی برخوردار است و همواره به‌عنوان تجلی‌گاه زیبایی‌های آفرینش در آراستن و معنا بخشیدن به هنر ایرانی سهیم بوده است؛ با این حساب، با توجه به اهمیت و کاربرد آن در بین مردم، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است: «معنا و مفهوم آینه در فرهنگ ایرانی چگونه تبیین و تحلیل می‌شود؟» با این هدف پس از بررسی واژه آینه از نظر معنا و ریشه لغوی، پیشینه آن در تاریخ تمدن بشری مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در ادامه با معرفی آن به‌عنوان یک نماد، کاربردهای متفاوت آینه در فرهنگ عامه، ادبیات و هنر پی‌گیری می‌شود.

## ۲- آینه در لغت

آینه، سطحی براق است که تصویر هر آنچه که در مقابل آن قرار می‌گیرد را منعکس می‌کند. در فرهنگ‌نامه‌ها نیز بیشترین معنی که از آینه آمده است، اشاره به همین ویژگی، یعنی سطح صیقلی و انعکاس نور دارد. «آینه، آهن مصقول و آهن پرداخت شده و شیشه و بلور پشت بزبیق<sup>۱</sup> کرده است که صور اشیاء خارجی در آن افتد» (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۰۴/۴). در جایی دیگر، «آینه، نام قطعه شیشه‌ای است که در پشت آن ترکیبی از قلع و جیوه مالیده باشند. نور را منعکس می‌کند و انسان چهره خود را در آن می‌بیند و به شکل‌های مختلف ساخته می‌شود» (عمید، ۱۳۷۶: ۸۲/۱). از نظر علم فیزیک هر صفحه صیقلی مسطح، کوژ یا کاو که تصویر را منعکس می‌کند، آینه نام دارد (مصاحب، ۱۳۸۰: ۱/۳۵۱) و از نظر عرفان هر چیز روشن و پاک آینه است؛ مثل: آینه دل، آینه جان. (صدری‌افشار، ۱۳۸۸: ۱۲۳) بر اساس شواهد، آنچه درباره تاریخچه لغوی آینه می‌توان اظهار داشت این است که آینه، واژه پهلوی بوده که به صورت آدونک آمده است. این واژه از پیشوند «آد» و ریشه «ون» به معنی دیدن ساخته شده؛ بنابراین آینه، یک شیء است که به وسیله آن تصویر را می‌بینند. (فهوشی، ۱۳۶۴: ۶۳) نام دیگر آینه را در زبان پهلوی، «آبگینه» بیان کرده‌اند که به صورت «آبگینک» نگارش شده است. «گین» در این واژه، پسوند سازنده صفت وصفی به‌شمار می‌آید؛ بنابراین آبگینه به چیزی اطلاق می‌شود که شبیه به آب باشد. (مکنزی، ۱۳۷۳: ۲۹۷-۱۷۵) علت این نامگذاری از آن جهت است که آینه، مانند سطح شفاف آب، نور را منعکس می‌کند. نظر دیگری که درباره معنای لغت آینه مطرح شده، در ارتباط با نحوه ساخت آن در گذشته است؛ به دلیل آنکه آینه را با فلزاتی از جنس مس و مفرغ می‌ساختند، ریشه لغوی آن را آهنینه می‌دانند. (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۹۱: ۸/۲۱۴)

فرستاد از آن آهن تیره رنگ      یکی آینه کرده روشن ز رنگ

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۹/۶)

امروزه، آینه، جزئی از لوازم ضروری زندگی است که هر روزه به دفعات، در زمینه‌های متنوع از کاربردهای روزانه شخصی تا علمی و پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## ۳- گذری بر تاریخ آینه

سطح شفاف آب، اولین آینه‌ای به‌شمار می‌آید که بشر توانست چهره خود را در آن ببیند و همین آب بود که آدمی را به فکر اختراع آینه‌ای برای دیدن تصویر واضح از خود مشتاق‌تر نمود؛ در تأیید این سخن می‌توان به افسانه کهن یونانی ناریس<sup>۲</sup> اشاره کرد. در این افسانه «یک روز بسیار گرم، ناریس پس از انجام شکار، مجبور شد برای رفع عطش از چشمه‌ای استفاده کند. در آنجا وی عکس صورت خویش را دید و عاشق خود شد» (گریمال، ۱۳۶۷: ۲/۶۰۵). احتمالاً آینه یکی از کهن‌ترین مصنوعات دست بشر قلمداد می‌شود که با الهام از سطح بازتابنده آب‌ها، با شناخت فلز و توانایی در جلا دادن آن ساخته شده است؛ بنابراین نخستین آینه‌هایی که بشر به کار می‌گرفت، آینه‌هایی از جنس فلز صیقلی بوده‌اند. براساس باز یافته‌های باستان‌شناسی در ایران، مردمی که در هزاره ۴ ق. م در سیلک کاشان زندگی می‌کردند، از ساخت آینه‌های فلزی آگاهی داشته‌اند. (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۵). همچنین «آینه‌های مسی دسته‌داری نیز در کاوش‌های دشت لوت به دست آمده که متعلق به هزاره ۳ ق. م است» (ریاضی، ۱۳۷۵: ۸). با اختراع آلیاژ مفرغ در پایان هزاره ۳ ق. م آینه‌های مسی، جای خود را به آینه‌های مفرغی دادند. (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۴۹) «از حفريات تپه حصار دامغان، شوش، خوردین فارس، امش و سایر نقاط ایران آینه‌های برنزی به دست آمده است که قدمت آنها بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ق. م. می‌رسد» (انوری و محمدلی، ۱۳۸۱: ۲۴۰). دسته این آینه‌ها بیش‌تر، پیکره زانی است که آینه را با دو دست بر بالای

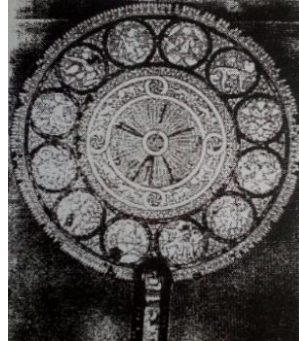
۱ جیوه نقره‌ای

۲ Narcisse: نام جوان زیبارو در اساطیر یونان

سر نگاه داشته‌اند (شکل ۱) (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۱۰۳). مجموع این تمثیل‌ها از ارتباط نزدیک آینه با دنیای زنان در دوران باستان حکایت می‌کنند. با بهره‌گیری از آهن، فولاد و افزودن نقره به آلیاژی که آینه از آن ساخته می‌شد، پیشرفت بسیاری در آینه‌سازی رخ داد. «نمونه‌ای از این دست آینه‌های برنزی با روکش نقره متعلق به دوره ساسانی در کاوش‌های املش به دست آمده که پس از گذشت سده‌ها، هنوز بخشی از درخشندگی خود را دارا است» (شکل ۲) (ریاضی، ۱۳۷۵: ۹).



شکل ۳: آینه برنزی، لرستان. ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۴۱)



شکل ۲: قاب آینه برنزی قالبگیری شده با نقره و طلا کوب، سده ۸/۱۴ (توحیدی، ۱۳۸۵: ۴۹)



شکل ۱: قاب آینه نقره ساسانی سده ۶/۱۲ (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۸: ۲۶۹)

آینه شیشه‌ای، نخستین بار در سده اول میلادی در شهر صیدون<sup>۱</sup> اختراع و ساخته شد. (Pliny, 1962: 153) پس از آن، اروپاییان از سده‌های میانه (۵ تا ۷ ق/ ۱۱ تا ۱۳ م) ساخت آینه‌های شیشه‌ای را آغاز کردند؛ اما گسترش اصلی این دست آینه‌ها، در میانه سده ۱۱ ق/ ۱۷ م، توسط ونیزی‌ها صورت می‌گیرد که از پیشگامان ساخت آینه هستند. (ریاضی، ۱۳۷۵: ۹) در این دوره تاریخی با آنکه در اروپا، آینه‌های شیشه‌ای جای آینه‌های فلزی را گرفته بودند؛ اما در ایران همچنان به شیوه کهن، آینه‌های فلزی می‌ساختند. احتمالاً علت گرایش مردم به آینه‌های فلزی از آن جهت بوده است که آینه‌های فلزی در برابر شکنندگی دوام بیشتری داشتند؛ چراکه هوای خشک در ایران سبب می‌شد، قلع پشت آینه‌های شیشه‌ای بریزد، به همین سبب استفاده از آینه‌های فلزی را به آینه‌های بلوری ترجیح می‌دادند. (شاردن، ۱۳۵۵: ۳۴۴) البته سند استفاده ایرانیان از آینه‌های بلوری، به عهد ساسانی باز می‌گردد که از آن قاب سیمینی کشف شده که آینه شیشه‌ای آن از بین رفته است و در پشت آن تصویر یک مرغابی نقش شده که گرداگرد آن را شاخ و برگ و گل‌های مختلف پوشانده‌اند (شکل ۳) (واندبرگ، ۱۳۴۸: ۷).

در اواخر قرن ۱۱ ق/ ۱۷ م، آینه‌های بلوری به طور گسترده وارد ایران شدند و به تدریج با توسعه تجارت ایران و اروپا، پیشرفت فن آینه‌سازی و ارزانی آن به سبب فراوانی، آینه‌های فلزی از استفاده افتاد و به کلی فراموش گردید. آینه‌های بلوری اولیه، گرانبه و اغلب قطور و به «آینه‌سنگ» مشهور بودند. (انوری و محمدلی، ۱۳۸۱: ۲۴۴) با نظر به عادت ایرانیان که همه چیز را می‌آراستند؛ از همان آغاز ورود این گونه آینه‌ها به ایران، کوشش برای آراستن آن‌ها با قاب‌های گوناگون آغاز گردید. «قاب‌های سیمین قلم‌زده‌ای ساخته می‌شد که با ترنج‌های زرین آراسته و گاهی میناکاری می‌گردید» (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۸: ۲۷۱). همچنین هنرمندان ایرانی قاب‌های روغنی (زیرلاکی) بی‌نظیری نیز برای آینه‌ها می‌ساختند که از دیدگاه ظرافت، جزء آثار هنری تحسین‌برانگیز به‌شمار می‌آمدند. در این دوران حتی «جلد آینه‌های کوچک جیبی را نیز از پارچه‌های ترمه، زربفت، مخمل و جز آن می‌دوختند که بیش‌تر آن‌ها گلابتون‌دوزی شده بود» (ریاضی، ۱۳۷۵: ۱۱). تا این اندازه ارزش قائل شدن برای آینه، از اهمیت وافر آن در بین مردم حکایت می‌کند. آینه به دلیل همانندی با آب از نظر ویژگی‌هایی همچون بازتابندگی، همواره مورد توجه ایرانیان بوده و از آن به‌عنوان یک عنصر کاربردی، تزئینی و حتی نمادین بسیار بهره برده‌اند.

#### ۴- آینه در فرهنگ عامه (فولکلور) و ادبیات

فرهنگ عامه، میراث قومی و معنوی یک ملت است که از نسل‌های گذشته به جا مانده و سینه به سینه منتقل شده است. در حقیقت فرهنگ عامه، گنجینه غیرمادی و هویت ملت‌ها محسوب می‌شود که باید در حفظ و انتقال آن به نسل‌های بعد کوشید.

«فولکلور از دو کلمه لاتین «فولک»<sup>۱</sup> که به معنی توده مردم و عامه و «لور»<sup>۲</sup>، یعنی مجموعه‌ای از دانش‌های غیرتخصصی و ادب عامه تشکیل شده است. این اصطلاح در برگیرنده رفتارها، آداب و رسوم، اعتقادات، باورها، مثل‌ها، ترانه‌ها، افسانه‌ها و دانش‌های دیگری است که در هر جامعه‌ای وجود دارد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱/ ۱۹). فولکلور، رفتار و عمل یک خانواده یا یک فرد نیست بلکه در برگیرنده اعمال و رفتارهای جمعی و گروهی رایج در بین عموم مردم است. درحقیقت فولکلور مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی عامه است. بر اساس مطالعات پژوهشگران فرهنگ عامه، می‌توان موضوعات فولکلور را در سه دسته اصلی مورد بررسی قرار داد: ۱- باورها و اعتقادات، ۲- آداب و رسوم و سنت‌ها، ۳- گفتارهای عامیانه (بیهقی، ۱۳۶۵: ۲۱) که نشان از فرهنگ حاکم بر آن جامعه دارند. فرهنگ عامه در قلب جامعه وجود دارد و به عموم مردم بازمی‌گردد. افراد بسیاری به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه از آن پیروی می‌کنند.

#### ۴-۱- آینه در باورها و اعتقادات

آینه یکی از نمادهای نهفته در ژرف‌ساخت برخی باورهاست که در فرهنگ بسیاری از ملت‌ها آن را به بازنمایندن حقیقت انسان و اشیاء تفسیر کرده‌اند. چنانچه ژاپنی‌ها از آینه اتهام یاد می‌کنند؛ «آینه‌ای که حقیقت را منعکس و گناهان را آشکار می‌نماید» (شجاعی، ۱۳۹۶: ۱۰). به تناسب، آینه در باور مردم ایران نیز همواره نمادی از حقیقت تلقی می‌شده است؛ از این‌رو مردم، تحت تأثیر باورهایی که در ذهن و ضمیر خود در ارتباط با آینه پروراندند خود را مکلف به انجام وظایفی در قبال آن می‌دانسته‌اند. در گذشته چون بیشتر آینه‌ها از فلز بودند، بخار آب باعث زنگ زدن و از بین رفتن جلای آنها می‌شد پس مردم «ها» کردن را دشمن آینه می‌دانستند و معتقد بودند که «ها» کردن به آینه سبب می‌شود فرد از چشم دیگران بیفتد. (شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۷۲) ارتباط آه و آینه در ادبیات فارسی نیز یکی از زوج‌های شعری به‌شمار می‌رود که شاعران بسیاری در آثار خود از آن بهره برده‌اند؛ سعدی این تقابل را چنین بیان می‌کند:

تو روشن آینه‌ای ز آه دردمند بترس عزیز من که اثر می‌کند در آینه آه

(سعدی، ۱۳۸۱: ۲/ ۱۱۱۰)

بیدل دهلوی نیز آه و آینه را این‌گون مطرح می‌کند:

آینه مقابل نکنی با نفس من آه است مبادا اثری داشته باشد

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۶: ۷۶۸)

همچنین مردم باور داشته‌اند، «همیشه باید آینه را پاک نگه داشت. اگر غبار بگیرد، غم می‌آورد» (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۳۰۰) و از جایی که این امر برای آنها مهم تلقی می‌شد، روی آن را با لچک یا توری می‌پوشاند تا گرد و غبار بر آن ننشیند (موسوی - بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱/ ۲۱۶).

پیای بیفشان از آینه گرد که مصقل نگیرد چو زنگار خورد

(سعدی، ۱۳۷۱: ۷۱۱)

بر این اساس چون آینه در بین مردم از تقدس و ارزش والایی برخوردار بود، هرگز عملی را انجام نمی‌دادند که موجب از بین رفتن شفافیت آن شود. حتی به هنگام تاریک شدن هوا که نور کافی برای درخشندگی آن وجود نداشت، در آینه نگاه نمی‌کردند و باور داشتند که شب در آینه نگاه کردن عواقب شومی به دنبال دارد؛ در مثال: «اگر زنی شب در آینه نگاه کند هوو سرش می‌آید» (هدایت، ۱۳۱۲: ۵۱؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۷۳؛ احمد سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۹) یا اینکه «شب شانه کردن مو و در آینه نگاه کردن پریشانی می‌آورد» (هدایت، ۱۳۱۲: ۵۰؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۷۲) یا باعث فقر می‌شود. (علمداری، ۱۳۷۹: ۱۸۴)

شب تو در آینه نگاه مکن روز خود چون شب سیاه مکن

شب در آینه گر کنی تو نظر میشوی خوار در میان بشر

(شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۷۴)

در این میان، مردم اگر در شرایطی لازم بود که در آینه نگاه کنند، برای در امان ماندن از این مشکلات راهکارهای گوناگونی

پیش

می‌گرفتند؛ از جمله این راهکارها این بوده که «آینه را ۳ بار دور چراغ بگردانند» (هدایت، ۱۳۱۲: ۵۱؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۷۳؛ احمدسلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۹) یا اینکه باید اول آینه را به دو طرف سینه خود بمالند (شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۷۳) و بعد در آن نگاه کنند. آینه در بین مردم آنقدر با ارزش تلقی می‌شد که شکستن آن را بدشگون می‌دانسته‌اند، به‌ویژه اگر آینه بخت<sup>۳</sup> بوده باشد. نقش آینه

۱ Folk

2 Lore

۳ آینه‌ای که از طرف داماد برای عروس فرستاده می‌شود (نجفی، ۱۳۷۸: ۴۵)

در خوشبختی زن‌ها آنقدر مؤثر بوده که بسیاری هنوز نیز معتقدند «در صورت شکستن آینه، عروس سیاه‌بخت خواهد شد» (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱/ ۲۱۶) به ویژه اگر «شکستن بدون علت محسوس و مشهودی، مثلاً افتادن از طاقچه یا اصابت سنگی بر آن صورت بگیرد» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۳). در بعضی از مناطق معتقدند که حتی «اگر آینه خانه کسی بشکند پیشامد ناگواری برای آن خانواده رخ خواهد داد و تا هفت سال دچار مشکل می‌شوند» (ذوالفقاری و شیرینی، ۱۳۹۴: ۶۶) از گذشته مردم آینه را نمادی از خوش‌بینی و روشنایی می‌دانسته‌اند؛ در مواردی یکدیگر را به نگاه کردن در آن سفارش می‌کنند؛ عده‌ای باور دارند که «عروس باید هنگام عقد در آینه نگاه کند» (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱/ ۲۱۶) و البته گاهی هم یکدیگر را از نگاه کردن در آینه منع می‌کنند؛ در این مورد «گیلانی‌ها معتقدند که نباید به کودکی که هنوز نمی‌تواند صحبت کند آینه نشان داد چراکه ممکن است لال شود یا همزاد پیدا کند و همچنین باور دارند که زن بی‌نماز اگر در آینه نگاه کند، موجب تاریک شدن آینه می‌شود» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۲). در بعضی از مناطق کشور، عذار را تا چهل روز از نگاه کردن در آینه منع می‌کنند. (نوبان، ۱۳۸۲: ۲۸۹). باورها و اعتقاداتی که در باب آینه در بین مردم رواج دارد، عواملی در ارتباط با زندگی روزانه مردم قلمداد می‌شوند.

#### ۴-۱-۱- آینه و مرگ

در باورهای مردم، گاهی آینه با مرگ ارتباط پیدا می‌کند و به دلیل خاصیت بازتابندگی آن را به‌عنوان ابزاری برای دفع مرگ و میر از اهل خانه به کار می‌برند. در باورهای توده مردم «زمانی که یک جغد روی خانه‌ای نوحه کند باید آینه و قرآن نشان جغد بدهند تا مرگ و میر در خانه اتفاق نیفتد» (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۱؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۸۵). در این باور، آینه را برای دفع شومی به کار می‌برند و آن را جلوی جغد نگه می‌دارند تا شر و شناخت را از خانه دور کنند، اما در مواردی هم خود آینه، اسبابی برای بدشگونی تلقی می‌شود؛ به‌عنوان مثال، «هر کس سایه خود را در آینه ببیند به زودی خواهد مرد» (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱/ ۲۱۶) یا اینکه، شعاع آفتاب را که از طریق آینه منعکس می‌شود، نباید به خانه کسی انداخت؛ زیرا باعث ویرانی و مرگ در آن خانه می‌شود (تبریزی، ۱۳۶۳: ۵۳) و شکستن آینه بخت را نیز آنقدر نامبارک می‌دانند که معتقدند «اگر آینه بخت بشکند یکی از عروس و داماد خواهند مرد» (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۱؛ هدایت، ۱۳۷۸: ۷۳؛ یاحقی، ۱۳۸۶: ۶۲)

از رفتن گل صحن چمن نوحه سرایی است هر برگ آینه مرگ نمایی است

(صائب تبریزی، ۱۳۸۳: ۳/ ۳۳۵۲)

با نظر به اینکه در قیامت، تنها اعمال انسان است که به وی باز می‌گردد؛ بنابراین مرگ همچون آینه‌ای عمل می‌کند که هر کس تصویر اعمال خود را در آن می‌بیند. اگر طینت او نیکو و اعمالش صالح باشد، عاشق مرگ خواهد شد و در غیر این صورت، مرگ را نفرت‌انگیز خواهد پنداشت.

#### ۴-۱-۲- آینه و مذهب

ایران، موطن بسیاری از سنت‌های آیینی به حساب می‌آید؛ در همین راستا بسیاری از باورهای مردم نیز از اعتقادات دینی تأثیر می‌پذیرند، به‌عنوان مثال؛ در مناسک حج، هنگام احرام «نگاه کردن به آینه به قصد زینت حرام است» (نجف آبادی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). نماز خواندن جلوی آینه را نیز عملی مکروه می‌دانند. دلیل این امر انعکاس تصویری است که از انسان در آینه می‌افتد. بر طبق نظر علمای دین «روبروی عکس و مجسمه‌ای که روح دارد، نباید نماز خواند مگر اینکه روی آن را پرده بکشند» (صانعی، ۱۳۷۶: ۱۵۰). در مورد دیدن هلال ماه نو نیز برخی از مردم بر این باورند که باید درون آینه نگاه کرد تا آن ماه برای ایشان مبارک بگذرد. در این باور دیرینه «موقع دیدن هلال ماه نو، عوام دعای مخصوص می‌خوانند و به سبزه، آینه، آب و روی خوش نگاه می‌کنند» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۶۳) و این باور درباره ماه محرم و صفر که در بین مردم از ارزش دینی والایی برخوردار هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بیت زیر در راستای همین باور در بین مردم عمومیت داشته و سراینده مشخصی ندارد:

محرم زر است و صفر آینه ربیع تخت آب و دیگر غنم

(شاملو، ۱۳۸۱: ۱/ ۷۷۳)

البته گاهی استفاده از آینه در دیدن هلال ماه نو، تنها استفاده کاربردی داشته است؛ به این صورت که از آینه برای پیدا کردن هلال ماه مبارک رمضان در پایان ماه استفاده می‌کردند؛ زیرا به علت کم نور بودن ماه، چشم زودخسته می‌شده و نمی‌توانستند برای مدت طولانی به آسمان نگاه کنند؛ لذا برای دیدن ماه از آینه کمک می‌گرفتند و هنگام رؤیت هلال ماه صلوات می‌فرستادند. (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۴)

#### ۴-۱-۳- آینه در تعبیر خواب

تعبیر خواب، فرآیند معنا بخشیدن به رؤیاهایی است که در خواب دیده می‌شود. تعبیرهایی که از آینه مورد توجه است، بیشتر اشاره به مقام و فرمانروایی دارد. «آینه در خواب، جاه و ولایت بود. اگر ببیند که آینه به کسی داد؛ دلیل کند که مال و متاع خویش پیش کسی نهد. اگر ببیند که در آینه سیمین نگاه می‌کرد؛ دلیل که از حرمت خویش کراهت بیند؛ چراکه معبران آینه سیمین را مکروه دانند» (تفلیسی، ۱۳۸۰: ۳۴)؛ به بیان دیگر دیدن آیینۀ نقره‌ای در خواب، به گرفتار شدن در غم و اندوه تعبیر می‌شود و همچنین اگر کسی در خواب ببیند که در آینه نظر کرد و صورت خود ندید، وفات یابد. شکستن آینه حتی در خواب هم تعبیرهای ناخوشایندی دارد؛ آینه در خواب دیدن را گویند تأویل آن زن باشد و شکسته شدن آن موت زن (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۰). از دیگر تعبیرها، «اگر مردی ببیند که در آینه آهنی نگاه می‌کند، اگر زنش حامله باشد، پسری می‌زاید که در همه چیز شبیه پدر است و اگر زن ببیند در آینه نگاه می‌کرد و آبستن باشد، دختری می‌زاید که شبیه به مادر است و اگر آبستن نباشد شوهرش او را طلاق می‌دهد و زن دیگری می‌گیرد و زن نیز همسر مرد دیگری می‌شود» (تفلیسی، ۱۳۸۲: ۱۴۷). بسیاری از این تعبیرها در ارتباط با کاربردی است که انسان‌ها از آینه برای تشخیص زیبایی، زشتی و پیدا کردن ایرادهای احتمالی در ظاهر خود انجام می‌دهند.

#### ۴-۱-۴- آینه و جادو

در جادو و جادوگری، هر چیزی می‌تواند قدرت طلسم‌گونه داشته باشد. آینه، به‌عنوان شیء براق که توسط خود انسان ساخته شده، از دیرباز جزئی از ابزار ساحران به‌شمار می‌رفته است؛ چراکه «بهترین دلیل برای سحرآمیز بودن آن این است که بدون تسخیر روح انسان، تصویر او را نشان می‌دهد و همه هستی را پیش چشم بیننده آشکار می‌کند» (روشن، ۱۳۸۶: ۱۰۹) مردم همواره از گذشته‌های دور در پی یافتن راهی برای دور کردن ارواح شرور بوده‌اند؛ در همین راستا، برخی آینه را به دلیل خاصیت انعکاس نور، گزینه مناسبی برای استفاده در جادو، برای دور کردن این شرارت‌ها می‌دانستند؛ در خاور دور معتقد بودند «آینه می‌تواند ارواح خبیثه را در این جهان و در جهان دیگر دور کند؛ بنابراین آن را در کنار مردگان می‌گذاشتند. چینی‌ها برای محافظت از خود یک آیینۀ مفرغی را با نقش اژدها و ببرهای ماده می‌آراستند» (هال، ۱۳۸۰: ۴). در باور ایرانی آینه در ارتباط با مرگ گاهی شکل سحرآمیز دری را به خود می‌گیرد که روح از طریق آن به عالم دیگر گذر می‌کند؛ به همین منظور «گاه آینه را می‌پوشانند و گاه آن را به سوی دیوار برمی‌گردانند، به ویژه هنگامی که کسی در خانه مرده است» (سرلوت، ۱۳۸۹: ۱۵)؛ درواقع پوشاندن آینه در این باور خرافی به سبب ترس از تسخیر روح شخص نظاره‌گر در آینه، توسط روح شخص متوفی بوده است. قدرت جادوی آینه در بین باور عوام تا اندازه‌ای کارآمد بود که زنان سعی می‌کردند آینه‌های خود را از دسترس مادرشوهر، خواهرشوهر، هوو و اقوام او دور نگه دارند؛ بدان سبب که آینه را کارآمدترین اسباب برای سیاه بخت کردن می‌دانستند. (شهری‌باف، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۵۳) نقش دیگر آینه در جادو، کاربرد آن در بین ساحران است. «ساحران با نگرستن در آینه، به وسیله خود یا یک کودک، مدعی دیدن آینده یا یافتن جای چیز یا شخص گم شده می‌شوند» (انوری، ۱۳۸۳: ۳۳؛ صدیقی‌افشار، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در فرهنگ عامه این افراد را آینه‌بین، فال‌بین یا همان غیبگو می‌نامند. (نجفی، ۱۳۷۸: ۴۴)

هر دم به صورت دگر آید به چشم خلق / زان حسن بی‌قیاس چو جادوگر آینه

(صائب تبریزی، ۱۳۸۳: ۳/ ۳۴۷۵)

خاقانی درباره دیدن پریان در آینه و خبر گرفتن از آن‌ها در مورد آینده می‌نویسد:

ساقی بزم چون پری جام به کف چو آینه / او نرمد ز جام اگر ز آینه می‌رمد پری

(خاقانی، ۱۳۹۳: ۱/ ۵۹۸)

درواقع آغاز این باورها به زمانی باز می‌گردد که بشر توانست خواص انعکاسی اجسامی شبیه به آینه را کشف کند و تقریباً در سراسر جهان، مردم همواره باورهای عجیبی را در ارتباط با سحرآمیز بودن آینه ابراز می‌دارند که بسیاری از این ترس‌ها نیز با ویژگی‌های ظاهری این شیء در بازتولید تصاویر در ارتباط هستند.

#### ۴-۱-۵- آینه در آداب طب

در طب سنتی آینه در پیشگیری، تشخیص و مداوای بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. به‌عنوان مثال: «در فسا مداران در صورتی که پیشانی و سر کودکان در اثر ضربه ورم کند، برای تسکین درد آینه‌ای روی محل متورم قرار می‌دهند» (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۶۰). همچنین این عقیده نیز میان مردم رایج بوده است که «فرد مبتلا به چشم درد نباید به آینه نگاه کند؛ چراکه با این کار درد چشمش بیشتر خواهد شد» (شهری‌باف، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۵۱). در گذشته برای تشخیص زنده بودن بیمار، آینه‌ای را پیش روی صورت و مقابل دهان ایشان می‌گرفتند و در صورتی که آینه کدر می‌شد، پی می‌بردند که شخص زنده است و اگر در سطح آینه تغییری پدید نمی‌آمد، می‌دانستند که شخص مرده است. تعبیر «آینه در پیش نفس داشتن» یا «آینه در پیش دم آوردن» (لاهوری، ۱۳۶۴: ۱۶؛ شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۵؛ چندبهار، ۱۳۷۹: ۹۲) نیز از همین آیین گرفته شده است.

(کلیم کاشانی، بی تا: ۹۱)

از انواع آینه‌های مورد استفاده در طب سنتی، آینه‌ای موسوم به آینه چینی بوده است که آن را «از آهن یا فولاد صیقلی می‌ساختند و آن را آینه تال، آینه حلبی، آینه رومی و آینه رویین نیز می‌گفته‌اند» (عمید، ۱۳۷۶: ۱/ ۶۱). از این آینه برای مداوی بیماران لقوه‌ای که یک طرف صورتشان کج می‌شد، استفاده می‌کردند (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۰۸؛ شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۵؛ چندپهار، ۱۳۷۹: ۹۲). این بیماران را پس از خوردن داروهای مختلف در اتاق نیمه تاریکی می‌گذاشتند تا به این آینه که در اصطلاح به «آینه دق» معروف بود نگاه کنند. در واقع آینه دق «آینه‌ای کدر یا خوب صیقلی نشده است» (صدری افشار، ۱۳۸۸: ۱۲۳) که «صورت بیننده را سخت زرد و بی‌اندام نماید» (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۰۸) و تصویر را کج و معوج نشان می‌دهد.

آنها که رسد از مرض لقوه گزند باید که به یاد دارد از من این پند  
آینه چینی به نظر آورده در خانه تاریک نشیند یک پند

(یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۵)

همچنین اعتقاد داشتند که به همراه داشتن «آینه دق» دسیسه‌های جن را از انسان دفع می‌کند. (طوسی، ۱۳۶۳: ۲۲۵) امروزه نیز آینه در علم طبابت فراتر رفته و حتی در روانکاوای کاربرد دارد.

#### ۴-۲- آداب و رسوم

یکی از ویژگی‌های مشترک در بین فرهنگ مردم یک ملت، آداب و رسوم و سنت‌هایی است که در آن کشور برپا می‌شود. آینه یکی از عناصر فرهنگ عامه است که در بسیاری از مراسم شادی و حتی عزا، جایگاه ویژه‌ای را در بین مردم به خود اختصاص داده است. آشکارترین استفاده آینه در بین مردم همان است که آن را به‌عنوان ابزاری برای آرایش صورت و موی خود به کار می‌برند. کاربرد آینه در آراستن ظاهر چنان گسترده است که برخی اقوام در سرودن ترانه‌های محلی نیز از آن بهره برده‌اند: شازده دوما توی حموم سرتراشون می‌کنه آینه طلا بیارین نیگای زلفاش بکنه

(همایونی، ۱۳۵۳: ۷۹)

استفاده از آینه در آداب و رسوم تنها به استفاده‌های شخصی در خودآرایی محدود نمی‌شود بلکه این عنصر، مفاهیم نمادین بسیاری را در خود جای داده که هر یک از آن‌ها در جای خود تأمل برانگیز هستند.

#### ۴-۲-۱- آینه در مراسم شادی

آینه در بین مردم ایران به دلیل وجه تشابه آن با سطح شفاف آب، نشانه‌ای از روشنایی است و استفاده از آن در هر موقعیتی حاکی از صدق قلداد می‌شود. مردم، آنچنان حرمتی برای آینه قائل می‌شوند که در آغاز بیشتر کارها از آن در کنار قرآن بهره می‌گیرند. نتیجه این باور آن است که «وقتی خانه‌ای را تازه می‌خرند یا تغییر می‌دهند باید قرآن و آینه را پیش‌تر به آنجا ببرند» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۸۰ / آ). در این باور ورود آینه به خانه جدید نشانه خوش‌یمنی است. آینه و قرآن در سفره نوروزی برای شروع یک سال نو و در سفره عقد برای شروع یک زندگی جدید نیز نقش مهمی دارد. در سفره نوروزی، آینه در کنار قرآن «برای رفع کدورت و نشانه‌ای از پاکی و یکرنگی است» (همایونی، ۱۳۵۳: ۱۶۹). همچنین آینه در آیین نوروزی، بنا بر آنچه در اساطیر آمده، نمادی از زایش نیز هست. آینه در سفره زرتشتیان هم در کنار کتاب اوستا و عکس آشو زرتشت پیامبر به‌عنوان نمادی از فروغ بی‌پایان است» (دشتی، ۱۳۸۳: ۶۲؛ هنری، ۱۳۸۵: ۱۸۴) آینه به همراه قرآن، از همان ابتدای مراحل خواستگاری به‌عنوان اولین هدیه از سوی خانواده داماد به عروس داده می‌شود. «در فیروزکوه، آینه به همراه شانه جزء لوازمی است که به‌عنوان بلگه<sup>۱</sup> برای داماد می‌برند، در مقابل هدایایی که خانواده داماد برای عروس می‌فرستاده است» (بهزاد، ۱۳۹۵: ۱۳۴). همچنین رسم است که خانواده عروس هنگامی که جهاز را به خانه داماد می‌فرستند اول آینه و قرآن را وارد خانه می‌کنند؛ در واقع «آینه و قرآن نزد زوج‌های جوان ایرانی، نمادی‌ترین اسباب ورود به محل زندگی است» (سالمی‌فیه، ۱۳۹۱: ۱۲۶) حتی در مناطقی از کشور مانند فیروزکوه رسم است که «بعد از مراسم عقد و در حرکت عروس به خانه بخت شخصی را به‌عنوان «آینه‌دار» انتخاب می‌کنند تا آینه را روبروی عروس به دست بگیرد و تا رسیدن به خانه داماد جلوی عروس حرکت کند» (احمد سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۴؛ بهزاد، ۱۳۹۵: ۱۴۹). آینه‌داری در پیش روی عروس را عملی برای دور کردن چشم بد نیز تفسیر می‌کنند.

ای آفتاب آینه دار جمال تو مشک سیاه مجمره گردان خال تو

(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۶۲)

همچنین «آینه‌داری» در گذشته ظاهراً یک شغلی بوده و به دلیل در دسترس نبودن آینه، در محله‌ها آینه می‌بردند (شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۵) و کسی را که «آینه پیش روی کسی نگاه دارد تا چهره خود را در آن ببیند، آینه‌دار می‌خواندند» (چندبهار، ۱۳۷۹: ۹۲ عمید، ۱۳۷۶: ۶۱ / ۱). آینه‌داری از جمله آدابی است که شاعران نیز در آثار خود بسیار از آن سود برده‌اند:

نکته و نظم سنایی نزد نادان دان چنانکه  
پیش کر بر بط سُرّای و نزد کور آینه‌دار

(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۹۳)

از آنجا که آینه مانند آب، نمادی از روشنایی است؛ در نتیجه در جشن‌ها آن را به‌عنوان اسبابی برای تزئین خانه‌ها و محله‌ها به کار می‌برند که البته «تا حد امکان از آینه‌های بزرگ استفاده می‌شد تا شمع و چراغی را که در برابرش می‌گذاشتند مضاعف کند» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۷ / ۱) و در این میان از همه با شکوه‌تر استفاده از آینه در آذین‌بندی خانه داماد و حجله‌بندان اتاقی است که معمولاً برای عروس و داماد برگزیده‌اند. (همایونی، ۱۳۵۳: ۱۰۲) از دیگر آدابی که آینه همراه قرآن، در آن نقش آفرینی می‌کند؛ گذراندن مسافر از زیر آینه و قرآن در بدرقه وی برای آغاز یک سفر است. رسم است که «در هنگام حرکت مسافر در یک سینی آینه، یک بشقاب آرد و یک کاسه آب با برگ سبزی روی آن می‌آورند. پس از آن که مسافر را از زیر قرآن گذرانند، باید در آینه نگاه کند و انگشتش را در آرد بزند، بر پیشانی خویش بگذارد و پشت پایش آن آب را به زمین بپاشند» (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۱؛ هدایت، ۱۳۷۸: ۴۸) و «انجام این مراسم را شگون زود به هم رسیدن‌ها می‌دانند» (لاهوری، ۱۳۶۴: ۲؛ شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۸؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۹). در این رسم دیرینه، آرد نمادی از برکت است و قرار گرفتن آینه در کنار آب، نمادی از روشنایی قلمداد می‌شود. در سال‌های اخیر این تشریفات را تا اندازه‌ای ساده‌تر برگزار می‌کنند؛ چراکه سفرها دیگر به دشواری سفرهای گذشته نیست و به همین که مسافر را از زیر آینه و قرآن و گاهی هم فقط قرآن عبور دهند اکتفا می‌کنند.

کیست آن کس که بر احوال مسافر گرید  
چشم آینه به دنبال مسافر گرید

(صائب تبریزی، ۱۳۸۳: ۳/۳۳۶۵)

آینه در آداب و رسوم، گاهی به اسبابی برای پیام‌رسانی تبدیل می‌شود و به‌عنوان یک پیک، نوید فرا رسیدن نوروز را می‌دهد. از جمله این مراسم «شال‌اندازی» است؛ این سنت در سرزمین‌های غربی و شمال غربی ایران معمول است و با انجام آن به پیشواز بهار می‌روند. به این صورت که زنبیلی را به شالی می‌بندند و درون آن، آینه، شانه و سرمه‌دان قرار می‌دهند. در ارومیه و بعضی از روستاهای اطراف آن، دامادها این کار را با تشریفات بیشتری انجام می‌دهند و کجاوه آن‌ها، آینه‌بندان و آراسته است. کجاوه یا همان زنبیلی که به آن شال بسته‌اند را با طناب به داخل روزن یا جلوی پنجره آویزان می‌کنند. دختران صاحبخانه اگر دلشان بخواهد با شانه داخل زنبیل، موها را شانه می‌زنند و سرمه به چشم می‌کشند؛ آنگاه ضمن نگاهی به آینه، هدیه نوروزی را در آن می‌گذارند و به پیام‌آوران شادی می‌دهند و این کار را مبارک می‌دانند. یکی دیگر از مراسم زیبایی که آینه در آن نوید رسیدن بهار را می‌دهد، مراسم «کوسه چوپان» در همدان است. در این مراسم چوپانان برای ایفای نقش کوسه، پوستین برعکس می‌پوشند و کلاهی که بر روی آن یک آینه کوچک قرار دارد را بر سر می‌گذارند. در این کلاه فقط چشمانشان پوشیده نیست. کوسه به خانه‌هایی وارد می‌شود که گله گوسفند دارند و با اجرای نمایشی، پا به در طویله می‌کوبد. در لباس کوسه، آینه ضروری است و چوپانان با این کار و فرم لباس پوشیدن، تمام شدن زمستان را نوید می‌دهند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۷۰). امروزه نیز بسیاری از سنت‌های دیرین مرتبط با آینه یا برجا هستند. در بزرگ‌ترین جشن‌های ایرانی هنوز هم بالاترین جای در سفره نوروزی و سفره عقد را به آینه‌ای اختصاص می‌دهند که تصویری از قرآن کریم را منعکس می‌کند.

#### ۴-۲-۲- آینه در مراسم عزا

آینه علاوه بر جشن‌ها در ارتباط با مرگ نیز به‌عنوان یک نماد نقش‌آفرینی می‌کند. آینه در آیین مرگ نیز پیام‌رسان است و نوید یک زندگی جدید را می‌دهد. آینه در تزئین حجله عزاداری که برای مراسم ختم به ویژه در مرگ جوان ناکام جلوی منزل، سر کوچه یا در مسجد گذاشته می‌شود با همین باور همراه است که شخص به سفر آخرت رفته است. در واقع این حجله آینه‌ای، تداعی‌کننده همان اتاقی است که به‌عنوان حجله داماد در شب عروسی برای وارد شدن به یک زندگی جدید آینه‌بندان می‌کنند. در مراسم عزاداری کردستان، اگر شخص متوفی را در روز اول مرگش به خاک نسپارند، با انجام تشریفات خاصی، روی سینه فرد فوت شده سنگ و آینه قرار می‌دهند. آینه را به صورتی می‌گذارند که چهره شخص در آن آشکار شود. در آیین آیین، سنگ شاید نمونه سنگ قبر باشد و آینه، بر طبق روایت‌ها به‌عنوان نشانه‌ای از روشنایی، می‌تواند مژده‌ای به درگذشته باشد که راهی یک زندگی جدید است (اسدیان، ۱۳۸۴: ۷۲). در واقع آینه در این‌گونه مراسم یک نماد آگاهی‌دهنده است که فرد را از خواب دنیوی برای یک زندگی اخروی بیدار می‌کند.



#### ۴-۲-۳- آینه در آداب جنگ

میدان جنگ، صحنه به کار گرفتن خرد و نیرو با هم است. خرد برای آگاهی از چگونگی دفاع و حمله است و نیرو، شامل توان جسمی یا همان قدرت بازو و ابزاری است که در جنگ باعث پیروزی می‌شود. در گذشته آینه یکی از ابزارهای کاربردی در جنگ به‌شمار می‌رفت که البته از نظر جنس، متفاوت با آینه‌هایی بود که چهره را در آن می‌دیدند. این آینه‌ها را از آهن صیقلی می‌ساختند و تنها به سبب انعکاس نور شبیه به آینه بوده‌اند. نظامی درباره استفاده از آینه در ساخت جوشن می‌نویسد:

در آن کوره کآینه روشن کنند  
چو بشکست از آینه جوشن کنند

(نظامی، ۱۳۸۱: ۹۵۹)

آینه‌های جنگی بیشتر یا پوششی بوده که جنگجویان برای در امان ماندن از زخم شمشیر و تیرکمان‌ها می‌پوشیدند یا اسباب زینتی و ساز جنگی بزرگی که بر پشت فیل می‌بستند. «پاره‌های آهن که جنگجویان بر پشت، سینه و ران، برای دفاع از خود می‌بستند و ظاهراً مجموع آن را «چار» یا «چهار آینه» می‌خواندند» (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۰۴)؛ در واقع چارآینه «چهار پاره آهن یا پولاد پرداخته شده بود که جنگاوران روی زره و بر پشت و پهلوهای خود می‌بستند تا از آسیب جنگ‌افزارهای دشمن در امان مانند.» (ریاضی، ۱۳۷۵: ۱۱) و آینه پیل نوعی از کوس یا شیپور بزرگی است که بر پشت پیل بسته می‌شده و از صدای ترسناک و مهیب آن در میدان نبرد، جهت ایجاد ترس در بین نیروهای دشمن استفاده می‌کردند.

فروغ آینه پیل تو به روز نبرد  
برون برو ز عذار قمر غبار کلف

(چاچی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

در کاربرد دیگری، آینه پیل را آینه‌ای تعریف می‌کنند که «برای آرایش، بر پیشانی پیلان، به ویژه در روز جنگ می‌بندند» (ریاضی، ۱۳۷۵: ۱۱؛ شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۹؛ بهار، ۱۳۷۹: ۹۱).

شغبه‌های آینه پیل مست  
همی شانه بر پشت پیلان شکست

(نظامی، ۱۳۸۱: ۷۷۷)

از این ابیات چنین استنباط می‌شود که هنگام جنگ در روز، برای خیره کردن چشم دشمن از آینه و نور آفتاب استفاده می‌کردند. در میدان جنگ علاوه بر بازتاباندن نور؛ ظرافت و شکنندگی آینه نیز جنبه نمادین پیدا می‌کند و آینه تبدیل به ابزاری برای نمایش برتری نسبت به دیگری می‌شود. آینه به زانو بستن «یک رسم نمایشی قدیمی میان پهلوانان ایرانی در کشتی است. آنان شرط می‌بستند به هنگام کشتی گرفتن با فلان حریف آینه‌ای را به یک یا هر دو زانوی خود ببندند» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۴ / آ). این عمل در موقعیت‌هایی که لازم بود کشتی‌گیر از زانوهایش استفاده کند مانع آزادی عمل وی می‌شد؛ بنابراین کشتی‌گیر باید با به کار گرفتن تجربه و سرعت عمل، مانع آن می‌شد که حریف او را وادار به استفاده از فتونی کند که زانوها در آن نقش دارند.

#### ۴-۳- گفتارهای عامیانه

گفتارهای عامیانه، ساده و بی‌پیرایه هستند؛ زیرا سرچشمه آنها زندگی مردم است. آنها همواره با شرایط جدید جامعه تغییر می‌کنند و ارزش آنها در ارتباط با واقعیت‌های آن است. در این میان ضرب‌المثل، یکی از عناصر مهم گفتارهای عامیانه به حساب می‌آید و «در حکم نوعی حجت برای اثبات یا نفی موضوع و دلیل آوردن برای کسی است که راه چون و چرا را می‌بندد» (داوری، ۱۳۹۷: ۳۱). ضرب‌المثل در لغت به معنی پوشیده صحبت کردن و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند (ثروت، ۱۳۷۹: پ) بنابراین؛ ضرب‌المثل جمله‌ای است که ذهن شنونده را از معنی نزدیک به معنی دور راهی می‌کند. استفاده از آینه در قالب ضرب‌المثل به‌عنوان عنصر براقی که سطح صیقلی دارد و نور و تصویر را باز می‌تاباند، در ادب عامه بسامد بالایی دارد. در گفتار عامه، مردم هرگاه صافی آینه را مدنظر قرار می‌دهند، آن را در توصیف دوست به کار می‌برند: «دوست آن است که معایب دوست، همچون آینه رو به رو گوید؛ نه آن که چون شانه با هزار زبان در قفا رفته، مو به مو گوید» (حیدری‌ایه‌ری، ۱۳۸۳: ۲۲۸) در این مثل آینه به‌عنوان عنصری مطرح می‌شود که هیچگاه به دروغ تصویری را نشان نمی‌دهد و همیشه، زشتی‌ها را بدون نقص به تصویر می‌کشد. این مثل، دوست شریف را بهترین آینه و راهنمای امین می‌داند؛ چراکه دو دوست نیز باید همچون آینه تمامی معایب و محاسن یکدیگر را نشان دهند. بیت زیر از مخزن‌الاسرار نیز در همین باب است:

آینه روزی که بگیری به دست  
خود شکن آن روز مشو خودپرست

(نظامی، ۱۳۸۱: ۶۹)

مضمون این بیت اشاره به این مسئله دارد که هرگاه دوست، همچون آینه، به‌درستی نقص‌هایت را به تو نشان داد، به جای قطع دوستی و شکستن آینه، آن‌ها را بپذیر و خود را اصلاح کن. در مثل، «سخن، آینه مرد سخنگو است» (شاملو، ۱۳۸۱: آ/ ۷۸۰: ضیاء، ۱۳۸۶: ۲۵۶) نیز حقیقت‌گویی آینه مدنظر است. در این مثل، سخن گفتن مرد در نقش آینه‌ای است که آشکار می‌سازد

آن فرد کیست و چه شخصیتی دارد. روشنایی آینه در بین مردم کنایه از خوش‌قلبی و صفای باطن است و آن را در قالب ضرب-المثل «دل و روحی داری آینه!» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۲ / آ / ۷۷۲) به کار می‌برند. در مثل «جیب ما از آینه عروس پاک‌تر است» (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۰) نیز پاک‌ی آینه مدنظر بوده که به شکلی طنزگونه، کنایه از بی‌پول بودن است. مردم هرگاه می‌خواهند نهایت پاک‌ی چیزی را بیان کنند آن را به آینه‌ای تشبیه می‌کنند که از پاک‌ی می‌درخشد. همچنین وقتی از درخشندگی صورت شخصی صحبت می‌کنند آینه را در قالب مثل «ماشالله چه صورتی، پنداری آینه‌ای!» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۲ / آ / ۷۷۲) به کار می‌برند؛ این ضرب‌المثل داستانی از حضرت یوسف (ع) در مثنوی مولوی را به یاد می‌آورد: (مولوی، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۴۰)

در این داستان روزی حضرت یوسف دوستی از دوران کودکی‌اش را می‌بیند که سال‌ها او را ندیده بود. حضرت یوسف (ع) از دیدار دوستش خوشحال شد و از دوران کودکی خود صحبت کردند؛ تا اینکه بعد از ساعت‌ها حضرت رو به او کرد و فرمود: ای دوست، چه چیزی برای ما ارمغان آورده‌ای؟ یار دیرین ادامه داد: دوست عزیزم، همه می‌دانند که تو در صورت و سیرت زیباتر از همگانی. هر چه فکر کردم چه تحفه‌ای برایت بیاورم که شایسته‌ات باشد، فکری به نظرم نرسید تا اینکه...

لایق آن دیدم که من آینه‌ای پیش تو آرم چو نور سینه‌ای  
تا ببینی روی خوب خود در آن ای تو چون خورشید شمع آسمان

در ادب عامه، حتی زودگذر بودن تصویرها در آینه نیز دست‌مایه‌ای برای پند و اندرز می‌شوند؛ به‌عنوان مثال: اگر می‌خواهی بی‌دوست نباشی، همچون آینه هر چه دیدی را فراموش کن و کینه‌توز نباش. (حیدری‌ابهری، ۱۳۸۳: ۲۶۷) مردم حتی از ظاهری بودن تصویری که در آینه می‌افتد نیز برای نصیحت بهره برده‌اند؛ «آنچه در آینه جوان خام بیند، پیر در خست خام آن بیند» (ضیاء، ۱۳۸۶: ۳۴) و بدان معنی است که باید از تجربه پیران و گذشتگان با مشورت و نظرخواهی کردن از آنها درس گرفت. از مثل‌هایی که با ارزش بودن آینه در آن مدنظر است می‌توان ضرب‌المثل «روزگار آینه را محتاج خاکستر کند» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۸۳ / آ / ۷۸۳) را ذکر کرد که به معنی نیازمندی اشخاص یا چیزهای با ارزش به اشخاص کم‌اهمیت است. این تعبیر را از نحوه صیقل دادن آینه‌ها در گذشته گرفته‌اند؛ زیرا در گذشته آینه‌ها، فلزی یا سنگی بودند که پس از مدتی جلای خود را از دست می‌دادند. در آن روزگار خاکستر، یکی از مواد کم‌بها به‌شمار می‌رفت که برای صیقل دادن آینه‌ها از آن استفاده می‌کردند تا شفاف شود.

آینه کز زنگ شده تیره رنگ مالش خاکستر از او برده رنگ

(وحشی بافقی، ۱۳۲۵: ۲۳)

مردم «آینه‌داری در محله کوران» (عبداللهی، ۱۳۹۶: ۱۴) را خطاب به کسی که کار بیهوده انجام می‌دهد به کار می‌برند؛ زیرا آینه نشان دادن به کسی که نمی‌تواند ببیند بی‌فایده است و مردم ضرب‌المثل «آینه به دست زنگی» (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۰؛ عباسیان، ۱۳۹۴: ۲۱) را زمانی بیان می‌کنند که چیزی بارزش در دست کسی باشد که نمی‌تواند آن را فهم کند. این ضرب‌المثل مترادف است با ضرب‌المثل «چماق به دست چلاق» (شاملو، ۱۳۸۱: ۶۶۷ / آ / ۶۶۷). در گفت‌وگوهای عامیانه، مردم در پاسخ به کسی که دیگران را به خاطر زشت‌رویی مسخره می‌کند و باعث ناخشنودی آن شخص می‌شود و از سیما یا سیرت نازیبای خود غافل است، این ضرب‌المثل را به کار می‌برند که: «آینه‌اش را گم کرده است!» (عباسیان، ۱۳۹۴: ۲۱) افسانه «مار قهقهه» نیز دربرگیرنده همین مضمون است: در افسانه‌ی مار قهقهه، آینه‌ای وجود دارد که با نمایاندن چهره واقعی ماری که شهری را به ستوه آورده بود باعث نابودی آن مار می‌شود؛ چراکه هر کس این مار را می‌دید آنقدر می‌خندید تا هلاک می‌شد؛ تا اینکه پیر دانایی، آینه‌ای را روبروی مار قرار می‌دهد و مار با دیدن خود آنقدر می‌خندد تا می‌میرد (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۶۲۸). مفهوم این افسانه به خاصیت بازتابندگی بازمی‌گردد. آینه که آن را تبدیل به نمادی برای آگاهی و خودشناسی می‌کند. «طوطی پس آینه بودن» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۶ / آ / ۷۷۶) از دیگر مثل‌هایی است که در آن آینه با خاصیت انعکاس تصویر نقش آفرینی می‌کند. این مثل به معنی نظر و عقیده‌ای نداشتن و دنباله‌رو افکار و عقاید دیگران بودن است. این تعبیر را ظاهر از شیوه سخن آموختن به طوطی گرفتند؛ «برای آنکه به طوطی سخن گفتن بیاموزند، کسی در پشت آینه قرار می‌گرفت و کلمات مقصود را ادا می‌کرد. طوطی که تصویر خود را در آینه می‌دید، می‌پنداشت که طوطی دیگری سخن می‌گوید» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۷).

طوطی مثال آینه دیده‌ایم ما کز حیرت آنچه گفت نفهمیده‌ایم ما

(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۲۴۹)

آینه دق که در گذشته ابزاری برای درمان بیماری لقوه به‌شمار می‌رفت، در ادب عامه، کنایه از شخص عبوس و بی‌حوصله‌ای است که دیدارش باعث دل‌تنگی می‌شود. (شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۷؛ نجفی، ۱۳۷۸: ۴۴؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۸ / آ / ۷۷۸). از دیگر ضرب‌المثل‌ها می‌توان به «آینه و حلوا کسی را جلو جلو بردن» (نجفی، ۱۳۷۸: ۴۵) اشاره داشت. علاوه بر ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها نیز از ادبیات عامیانه گرفته شده‌اند که شکل معماگونه دارند. در ادامه مطلب دو مورد از چیستان‌هایی که آورده شده که پاسخ آنها آینه است:

- چیست که من در او پیدا هستم؟ آینه (گلستانه، ۱۳۸۶: ۳۲۱)  
- حوض بلور دختر مست افتاد زمین و بشکست! آینه. (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۷۳ / آ)

## ۵- نتیجه گیری

فرهنگ و هنر، در همه مراحل زندگی، پیوسته همراه بشر بوده‌اند و پیدایش آنها به زمانی بازمی‌گردد که انسان برای رفع نیازهای خود نسبت به خلق ابزار اقدام نمود. با گذشت زمان بسیاری از این عناصر با توجه به ویژگی‌های کاربردی خود، در بین مردم جنبه نمادین پیدا کردند. در این میان، آینه یکی از پرکاربردترین آنهاست که از جایگاه ویژه در فرهنگ و هنر ملت‌ها برخوردار است. آغاز توجه به این شیء براق از زمانی سرچشمه می‌گیرد که بشر انعکاس تصویر در سطوح براق را کشف کرد. آینه در جامعه ایران با فرهنگ و هنر دیرینه، حضور قابل توجهی دارد و مفاهیم نمادین بسیاری را در زمینه‌های فرهنگی به خود اختصاص داده است. آینه نمادی از قلب آدمی است که می‌تواند جمال و جلال الهی را منعکس کند. آینه در فرهنگ عامه گاهی به‌عنوان نمادی از روشنائی با ازدواج و سفر همراه می‌شود و آن‌چنان تقدس پیدا می‌کند که آلودگی و شکستن آن را بدشگون می‌دانند. در مواردی مردم یکدیگر را به نگاه کردن در آینه سفارش می‌کنند و درمقابل در موارد دیگر، به دلایل مذهبی و باورهای کهن، یکدیگر را از نگاه کردن در آن باز می‌دارند. در نمونه‌های متعدد آینه به‌عنوان ابزاری برای دفع بدشگونی به کار می‌رود؛ اما در شرایط دیگر، ابزاری برای مرگ و بدشگونی تلقی می‌شود. آینه حتی در تعبیر خواب و به ویژه در سحر و جادو جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن در آینه‌بینی، جهت خیر گرفتن از آینده و پیدا کردن اشیاء و افراد گمشده بسیار بهره برده‌اند. در آداب و رسوم، بیشتر نوید پیام‌های شادی و شروع یک زندگی جدید را می‌دهد و در مواردی نیز در جهت دفع چشم زخم به کار می‌رود. استفاده نمادین از آینه در گفتارهای عامیانه نیز بسامد بالایی دارد و بسیار در قالب ضرب‌المثل جهت پند و اندرز از آن بهره برده‌اند. بازتاب اینگونه اعتقادات و باورها در مورد آینه، در دیوان شاعران بزرگ ایرانی نیز به کرات مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده توجه آنان به آینه و ویژگی‌های نمادین آن در مضامین شعری خود است. آینه علاوه بر فرهنگ و ادبیات ایرانی، در هنر و معماری این سرزمین نیز نقش‌آفرین است به‌طوری‌که کاربرد آن، معنا و مفاهیم بسیاری را در بر می‌گیرد و برای بیننده، حالت مقدس در ارتباط با عالم والا و نور را تداعی می‌کند. موضوعی که می‌تواند در پژوهش‌های بعدی از منظر عرفانی و کارکردی مورد بررسی قرار بگیرد.

## منابع

۱. احمد سلطانی، منیره. (۱۳۸۴). «ژرف ساخت فرهنگ عامه ایران». تهران: روزگار.
۲. احمدی، حسن. (۱۳۸۶). «آینه در فرهنگ مردم». نجوای فرهنگ، شماره ۴. ۱۵۴-۱۵۱.
۳. اخوان‌ثالث، مهدی. (۱۳۷۰). «باغ بی‌برگی». به اهتمام مرتضی کاخی، تهران: بی‌نا.
۴. اسدیان، محمد. (۱۳۸۴). «آیین‌های گذر در ایران». تهران: روشنان.
۵. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۶). «نگاهی به ایلام». تهران: هنر.
۶. انجوی شیرازی، ابوالقاسم. (۱۳۵۴). «جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان». جلد ۲، تهران: امیرکبیر.
۷. انوری، حسن. (۱۳۸۳). «فرهنگ روز سخن». تهران: سخن.
۸. انوری، مجتبی و محمدلی شیرین. (۱۳۸۱). «دانشنامه ایران‌شناسی (برگزیده مقالات تحقیقی درباره تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران)». یزد: شرکت تعاونی عمرانی ستاوند.
۹. انوشه، حسن. (۱۳۷۵). «دانشنامه ادب فارسی». جلد ۱، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه.
۱۰. خاقانی، بدیل بن علی. (۱۳۹۳). دیوان خاقانی شروانی. جلد ۱، تهران: نشر مرکز.
۱۱. بهزاد، خلیل الله. (۱۳۹۵). «فیروزکوه و فرازهایی از تاریخ مازندران». تهران: اریش.
۱۲. بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق. (۱۳۸۶). دیوان. جلد ۲، به تصحیح اکبر بهداروند، تهران: نگاه.
۱۳. بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۵). «پژوهش و بررسی فرهنگ عامه مردم ایران». مشهد: آستان قدس.
۱۴. تأثیر تبریزی، میرزا محسن. (۱۳۷۳). دیوان. تصحیح امین پاشا اجالالی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. تبریزی، محمدحسین بن خلف. (۱۳۶۳). «برهان قاطع». جلد ۵، به اعتمام محمد معین، تهران: امیر کبیر.
۱۶. تفلیسی، حبیب بن ابراهیم. (۱۳۸۲). «کامل‌التعبیر». قم: دلیل ما.
۱۷. تفلیسی، شیخ ابوالفضل. (۱۳۸۰). «کلیات تعبیر خواب محمد بن سیرین و حضرت دانیال (ع) امام جعفر صادق (ع)». تهران: گلپا.
۱۸. توحیدی، فائق. (۱۳۸۵). «مبانی هنرهای فلزکاری، نگارگری، سفالگری، بافته‌ها و منسوجات، معماری، خط و کتابت». تهران: سمیرا.

۱۹. ثروت، منصور. (۱۳۷۹). «فرهنگ کنایات». تهران: سخن.
۲۰. چاچی، بدرالدین. (۱۳۸۷). دیوان. به تصحیح دکتر علی محمد گیتی فروز، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۱. چندبهار، لاله تیک. (۱۳۷۹). «بهار عجم: فرهنگ لغات ترکیبات کنایات و امثال فارسی». تهران: طلایه.
۲۲. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۹). «دیوان حافظ». به اهتمام جهانگیر منصور، تهران: نشر دوران.
۲۳. حیدری‌ابه‌ری، غلامرضا. (۱۳۸۳). «نگاهی موضوعی به امثال و حکم فارسی». قم: نشر جمال.
۲۴. داوری، مریم. (۱۳۹۷). «۲۰۵ ضرب‌المثل بلوچی گویش جاسک». قزوین: کادج.
۲۵. دشتی، رضا. (۱۳۸۳). «جشن‌های ملی ایرانیان». تهران: پازینه.
۲۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). «لغت‌نامه دهخدا» (جلد اول). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۷. ذوالفقاری، حسن و شیرینی، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). «باورهای عامیانه مردم ایران». تهران: چشمه.
۲۸. رحیمی، پریچهر. (۱۳۸۵). «تاریخ پوشاک ایرانیان». تهران: دانشگاه هنر.
۲۹. رضایی، غلامرضا. (۱۳۸۷). «شهر من فسا از نگاهی دیگر». شیراز: نوید شیراز.
۳۰. روشن، امین. (۱۳۸۶). «نماد آینه در اندیشه مولانا». ادیان و عرفان، سال چهارم، شماره ۱۱، ۱۲۰-۱۰۹.
۳۱. ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۵). «فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران». تهران: دانشگاه الزهرا (س)، معاونت پژوهشی.
۳۲. سالمی‌فیه، کیوان. (۱۳۹۱). «نمادهای سنت‌های ایران». تهران: زرین مهر.
۳۳. سرلوت، خوان ادواردو. (۱۳۸۹). «فرهنگ نمادها». ترجمه: دکتر مهرانگیر اوحدی، تهران: دستان.
۳۴. سعدی، مصلح‌بن عبدالله. (۱۳۷۱). بوستان سعدی. به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.
۳۵. سعدی، مصلح‌بن عبدالله. (۱۳۸۱). کلیات. جلد ۲، به کوشش خدیجه سبزی‌پور، آرزو قنبری راد و عباس باباییک، تهران: رهجویان وادی.
۳۶. سنایی، مجدودبن آدم. (۱۳۶۲). دیوان. به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: سنایی.
۳۷. شاردن، ژان. (۱۳۵۵). «سیاحت‌نامه شاردن». ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
۳۸. شاملو، احمد. (۱۳۸۱). «کتاب کوچک». حرف آ. تهران: مازیار.
۳۹. شجاعی، حیدر. (۱۳۹۶). «نماد شناسی تطبیقی (۱) - انسان». تهران: شهر پدram.
۴۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۷). «فرهنگ اشارات ادبیات فارسی». جلد ۱، تهران: فردوس.
۴۱. شهری‌باف، جعفر. (۱۳۷۸). «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم». جلد ۲، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۴۲. صاعی، یوسف. (۱۳۷۶). «رساله توضیح‌المسائل». قم: میثم تمار.
۴۳. صائب تبریزی، محمدعلی. (۱۳۸۳). دیوان اشعار. جلد ۳، تهران: علم.
۴۴. صدری‌افشار، غلامحسین. (۱۳۸۸). «فرهنگ نامه فارسی: واژگان و اعلام». تهران: فرهنگ معاصر.
۴۵. ضیاء، سید اسماعیل. (۱۳۸۶). «فرهنگ امثال و حکم فارسی - انگلیسی». تهران: سخن.
۴۶. طوسی، محمدبن محمد نصیرالدین. (۱۳۶۳). «تسنوخننامه ایلخانی». مقدمه و تعلیقات از محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران: اطلاعات.
۴۷. عباسیان، علی اکبر. (۱۳۹۴). «فرهنگ مثل‌ها و حکمت‌های طنز آمیز پارسی». تهران: علی اکبر عباسیان.
۴۸. عبداللهی، رحیم. (۱۳۹۶). «فرهنگ لغات و اصطلاحات عامیانه». تهران: دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد.
۴۹. علمداری، مهدی. (۱۳۷۹). «فرهنگ عامیانه دماوند افسانه‌ها باورها مثل‌ها». تهران: فیض کاشانی.
۵۰. عمید، حسن. (۱۳۷۶). «فرهنگ عمید». جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
۵۱. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). «شاهنامه». جلد ۶، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
۵۲. فره‌وشی، بهرام. (۱۳۶۴). «بخشی از فرهنگ ایران کهن». تهران: کاربان.
۵۳. کلیم کاشانی، ابوطالب. (بی تا). دیوان. به تصحیح و مقدمه پرتو بیضائی، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
۵۴. گریمال، پیر. (۱۳۶۷). «فرهنگ اساطیر یونان و رم». جلد ۲، ترجمه احمد بهمنش، تهران: امیرکبیر.
۵۵. گلستانه، مزار. (۱۳۸۶). «فرهنگ عامه: ادبیات و شعر عامیانه مردم سیستان». مشهد: عروج اندیشه.
۵۶. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۲). «ایران از آغاز تا اسلام». ترجمه: محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۷. لاهوری، وارسته. (۱۳۶۴). «فرهنگ مصطلحات و الشعرا». تهران: چاپ گلکار.
۵۸. مصاحب، غلام‌حسین. (۱۳۸۰). «دایرة‌المعارف فارسی». جلد ۱، تهران: امیرکبیر.

۵۹. مکنزی، دی. ان. (۱۳۷۳). «فرهنگ کوچک زبان پهلوی». ترجمه: مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶۰. موسوی بجنوردی، محمد کاظم. (۱۳۶۸). «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی». جلد ۲، چاپ اول، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۶۱. موسوی بجنوردی، محمد کاظم. (۱۳۹۱). «دانشنامه فرهنگ مردم ایران». جلد ۱. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۶۲. مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد. (۱۳۸۴). مثنوی معنوی. تهران: سراب نیلوفر: صومعه.
۶۳. نجف آبادی، حسین علی منتظری. (۱۳۸۶). «احکام و مناسک حج». چاپ چهارم، قم: سایه.
۶۴. نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). «فرهنگ فارسی عامیانه». تهران: نیلوفر.
۶۵. نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۱). کلیات نظامی گنجوی. تهران: سپهر ادب.
۶۶. نوبان، مهرازان. (۱۳۸۲). «مردم نگاری دلیجان». تهران: سازمان یراث فرهنگی کشور.
۶۷. هال، جیمز. (۱۳۸۰). «فرهنگ نگاره نمادها در هنر شرق و غرب». ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
۶۸. هدایت، صادق. (۱۳۱۲). «نیرنگستان». تهران: بی‌نا.
۶۹. هدایت، صادق. (۱۳۷۸). «فرهنگ عامیانه مردم ایران». گردآورنده: جهانگیر هدایت، تهران: نشر چشمه.
۷۰. همایونی، صادق. (۱۳۵۳). «آداب و رسوم مردم شیراز». شیراز: مصطفوی.
۷۱. هنری، مرتضی. (۱۳۸۵). «نوروز گان (گفتارها و سرودهایی در آیین‌های نوروزی)». تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۷۲. واندنبرگ، لوئی. (۱۳۴۸). «باستان‌شناسی ایران باستان». ترجمه: عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
۷۳. وحشی بافقی، کمال‌الدین. (۱۳۲۵). خلد برین و مسمکات وحشی بافقی کرمانی. تهران: اقبال.
۷۴. یاحقی، جعفر. (۱۳۸۶). «فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی». تهران: فرهنگ معاصر.
۷۵. یوسفی، محمد بن یوسف. (۱۳۸۹). «طب یوسفی: جامع‌الفوائد». بازنویسی حسین خیر اندیش، قم: ابتکار دانش.

76. Pliny, S. (1962). Natural History, ed. DE, Eichholz, london, cambridge.

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کارپردی در  
علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال ششم، شماره ۱ (پیاپی: ۳۳)، بهار ۱۴۰۲